

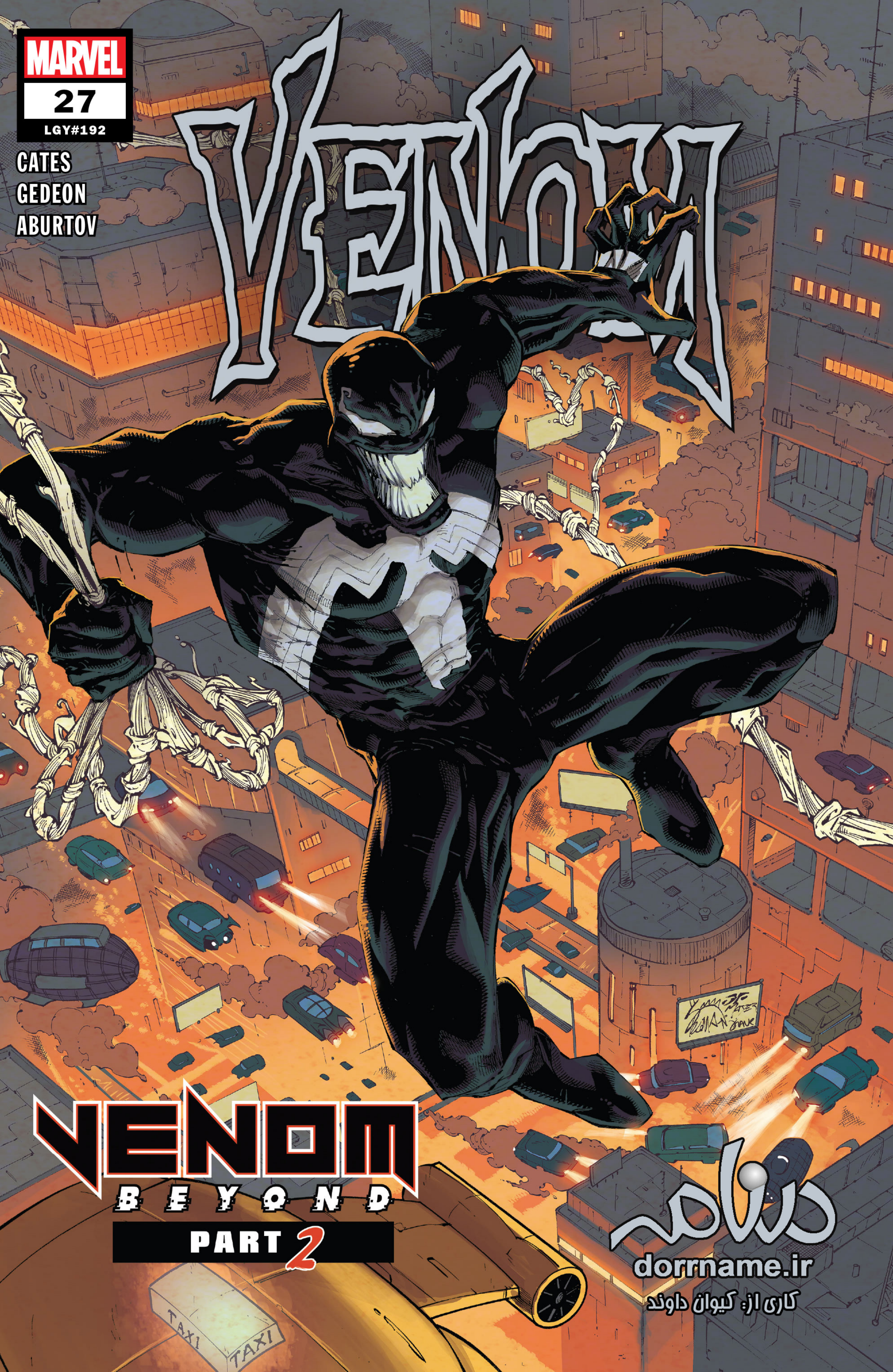
MARVEL

27

LGY#192

**CATES
GEDEON
ABURTOV**

VENOM



VENOM

B E Y O N D

PART 2

دورنام

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند



من دیگه فکر می کنه
که من تازه دارم درک
می کنم.

اون می تونی تغییرات هوایی و
زلزله ها رو ماه ها قبل از وقوع تشخیص
بده و از مایل ها دورتر خطر رو حس کنه...

می تونه دروغ رو تشخیص
بده و تو تاریکی ببینه.

می تونه زیر آب نفس بکشه.
صداش تو خلا منتقل می شه.
می تونه اکثر زخم ها رو درمان
کنه.

می تونه بهت اجازه بده که توی
خواب رؤیاهاتو کنترل کنی.

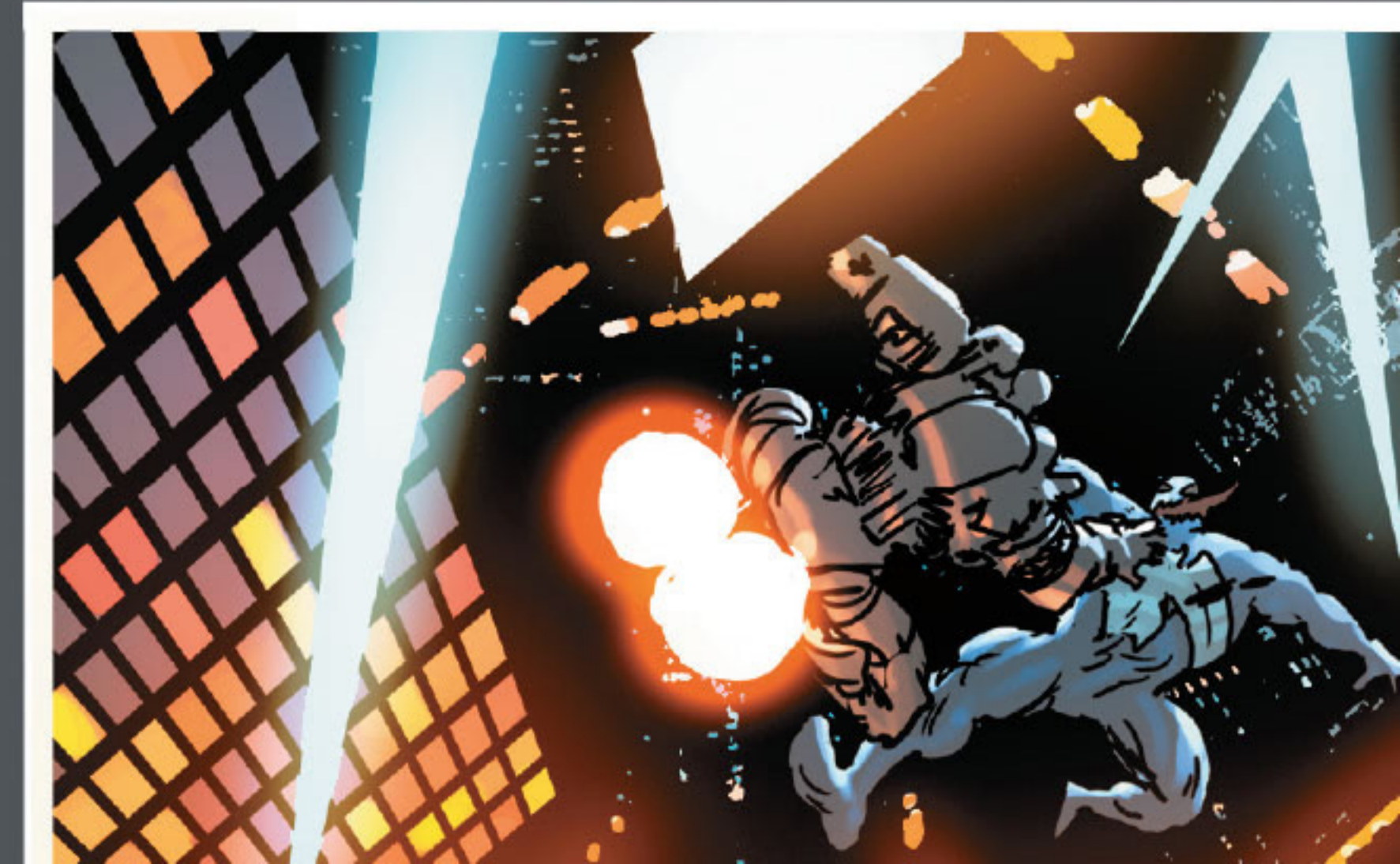
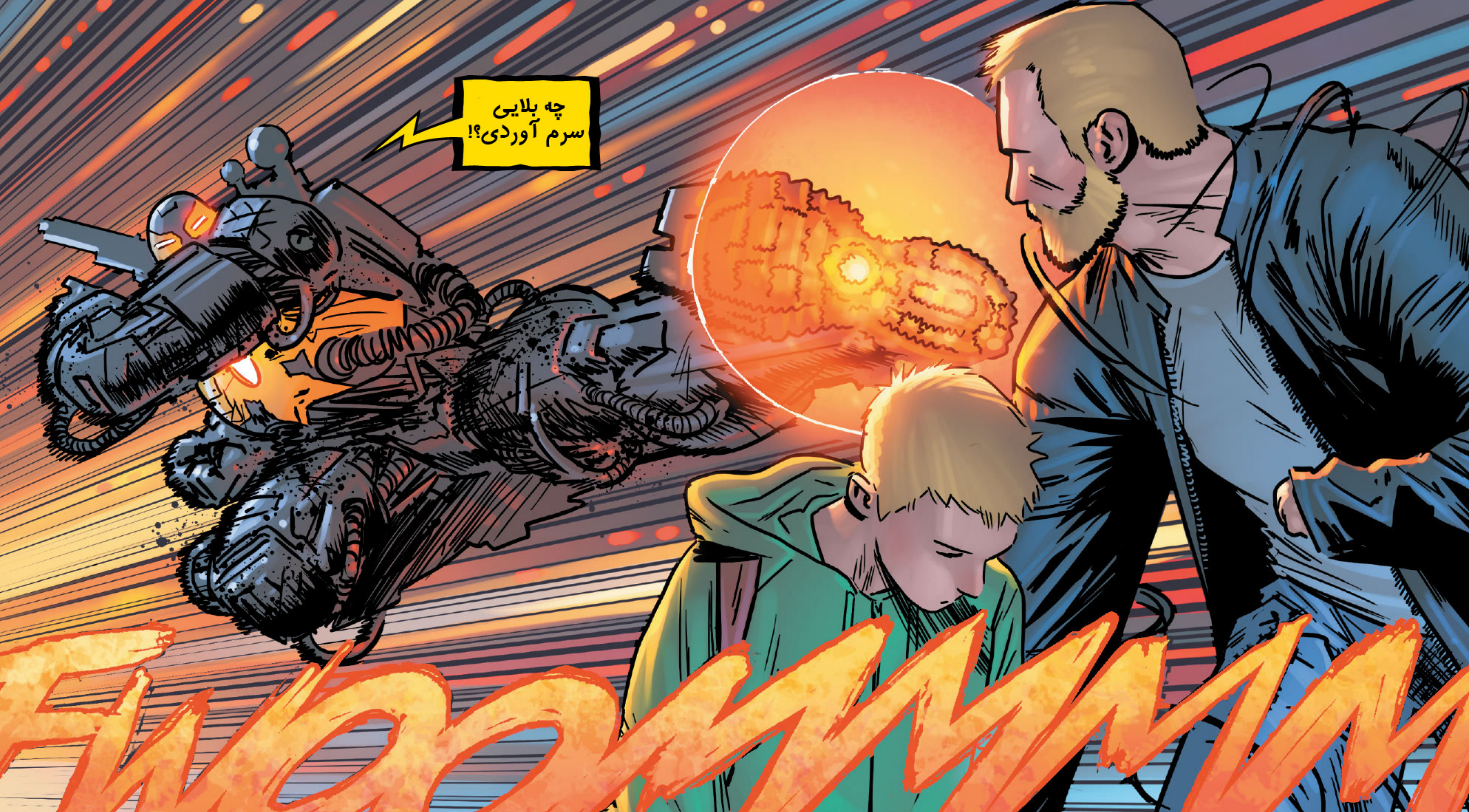
فکر می کنم تازه یه سری
از موارد سطحی از توانایی هاش
درک کردم.

ولی اینجا... تو این
محل جنون آمیز...

...وقتی می پرسم
اینجا کجاست...

...تنها چیزی
که می گه اینه:







آآخ!

آآخ! حسش کردم.

آره، دستکش نوسان دار. باید سریع تمومش کنیم ادی...

آره...



می سازم... کارشو.

نمی دونی چقدر خوش شانسی ویروس!

سعی کردم اینو که جلوی پسر رو کسی رو نکشم برای خودم قانون کنم...



ولی... اون اینجا نیست!

پس حدس بن \$%&#? من اون زره مسخره رو پاره می کنم، بعد این بار واقعا می خورم...



راست می گی؟

آآخ!!!

خوب، خوش به حال من که...

کلاً یادم رفته بود که طفلک دیلان همیشه تنهاست...



dorname.ir



متوجه شدم که
نمی تونیم جلوی سقوط
رو بگیریم...

یه چیزی مثل
بال همچین جاهایی
به درد می خوره...

ادامه
بده! هی اسم
پسرمو بیا!

متأسفم ادی. سخته
...خیلی... سخته همچین
جایی بخواهی فکر کنی.



چون هر
دفعه ای که این
کارو بکنی، یه ساعت
درد قبل از مرگ
بهت اضافه
می کنه!

خوب، فکر کن ببین!
چیکار می شه کرد! تمام
چیزی که دارم شبکه تاره
و در برابر این آدم...



دارم سعی می کنم...
تداخل زیاده!

تداخل؟ این چه معنی
می تونه داشته باشه؟

هرگز اینقدر به ذهن
کنده نزدیک نبودم...

تو... تو متوجه
نیستی!!!



اینقدر تلاش کنم
که... وصل بشم... ولی
خلاصی ازش سخته...
در حالی که حضورمون
...رو می خواهیم مخفی
نگه داریم... تقریباً
رسیدیم... داریم رد
می شیم... می تونم...

WE DON'T
MIGRATE!



نمی دونی چقدر درد
به من تحمیل کردی.

پس بیا یه
کم بیشترش کنیم!
چطوره؟! خوب.



آآآخخخ!!!

آآآخخخ!!!



حالت خوبه؟
چی...

بله. بله.
ولی... دارم
یاد می گیرم...

یاد می گیری؟
از چی؟ چیکار
داری...



کندوی جدید! چیزهایی...
دارن برام عیان می شن.
ما قادر به انجام خیلی کارها
هستیم!

زیباست...

کندو؟ چی؟ قادر به چی؟



آآخ!!!

آآگ!



هی؟ کجا رفتی؟
یه کم کمک
لازم دارم...



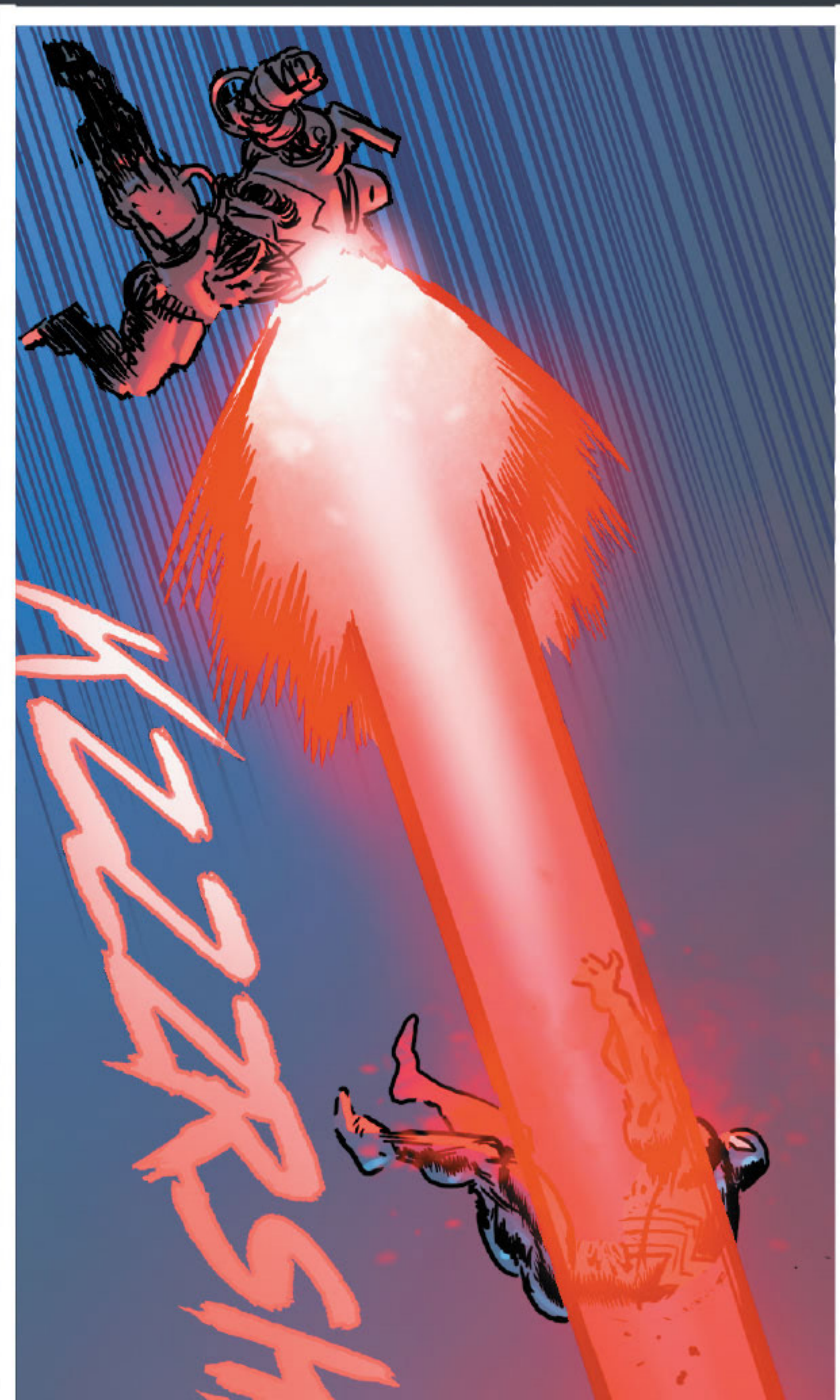
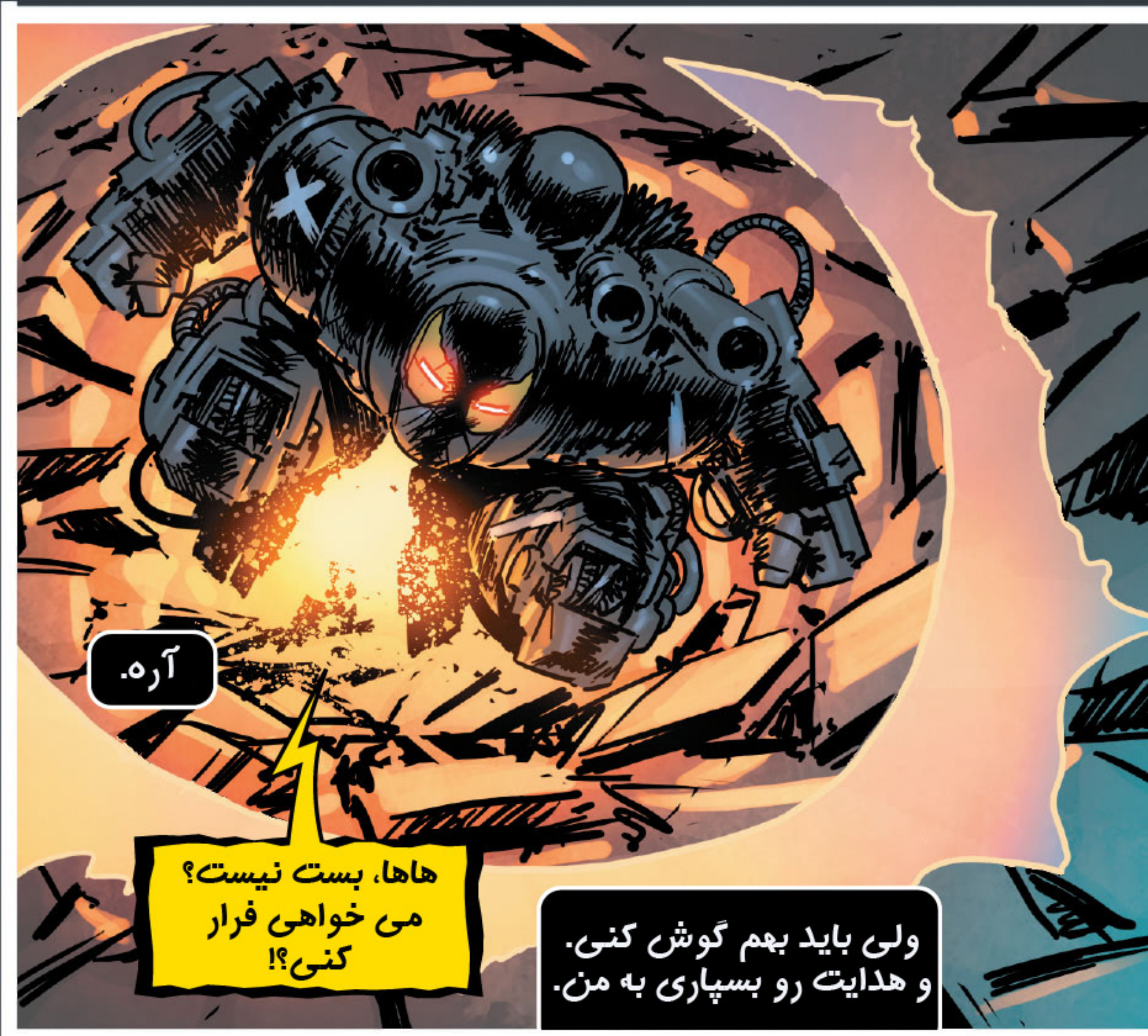
تمومه!
تسلیم شو
و...



هی!!!
کجا رفتی؟!



این مسئله فقط
به یه طریق حل
می شه براک!





ادی، به من گوش کن...

تمام اون انرژی که ازش برای حمله بعت استفاده کرد. تمام اون خشم؟

چه حسی داری براک؟



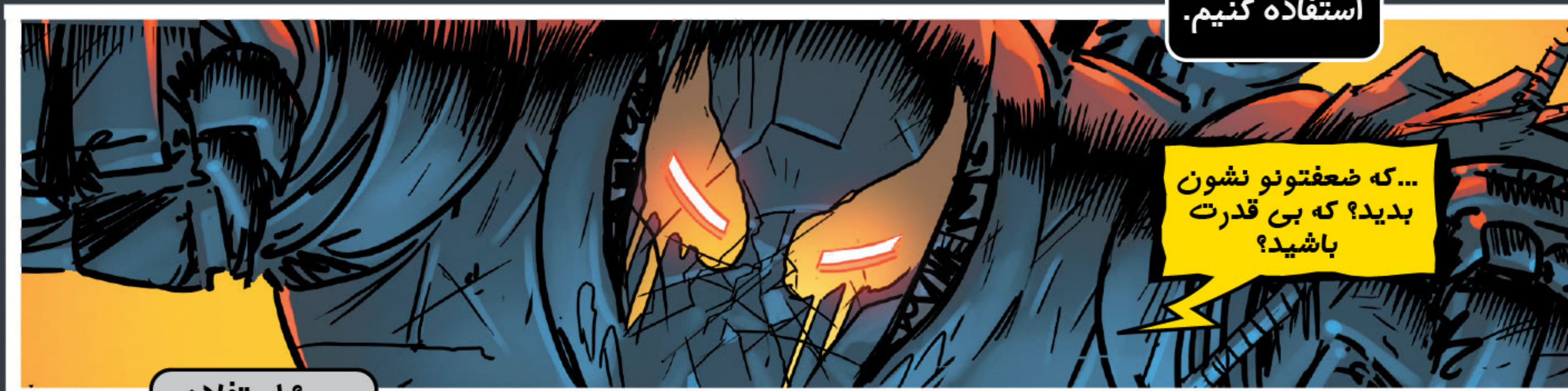
آآخ!!

چه اتفاقی داره می افته؟! خیلی درد داره! انگار داریم منفج...



می تونیم از اون انرژی استفاده کنیم. ذخیره اش کنیم.

و ازش استفاده کنیم.



...که ضعفتونو نشون بدید؟ که بی قدرت باشید؟

چی؟ استفاده کنیم؟ چطور؟



آآآآ غغغ!!



مثل این، ادی.

خیلی درد داره...



KRUMBL

ولی این؟



حس فوق العاده ای داره.



پدرا!
کمک کن!

دیلان...



THWIP

THWIP

صبر کن... چطور اینو
شنیدم؟ یه چیزی حدود
پنجاه طبقه بالاتره!

نشنیدی. دقیقاً
نشنیدی.



STRETCH



حسش کردی. هر
دو حسش کردیم.

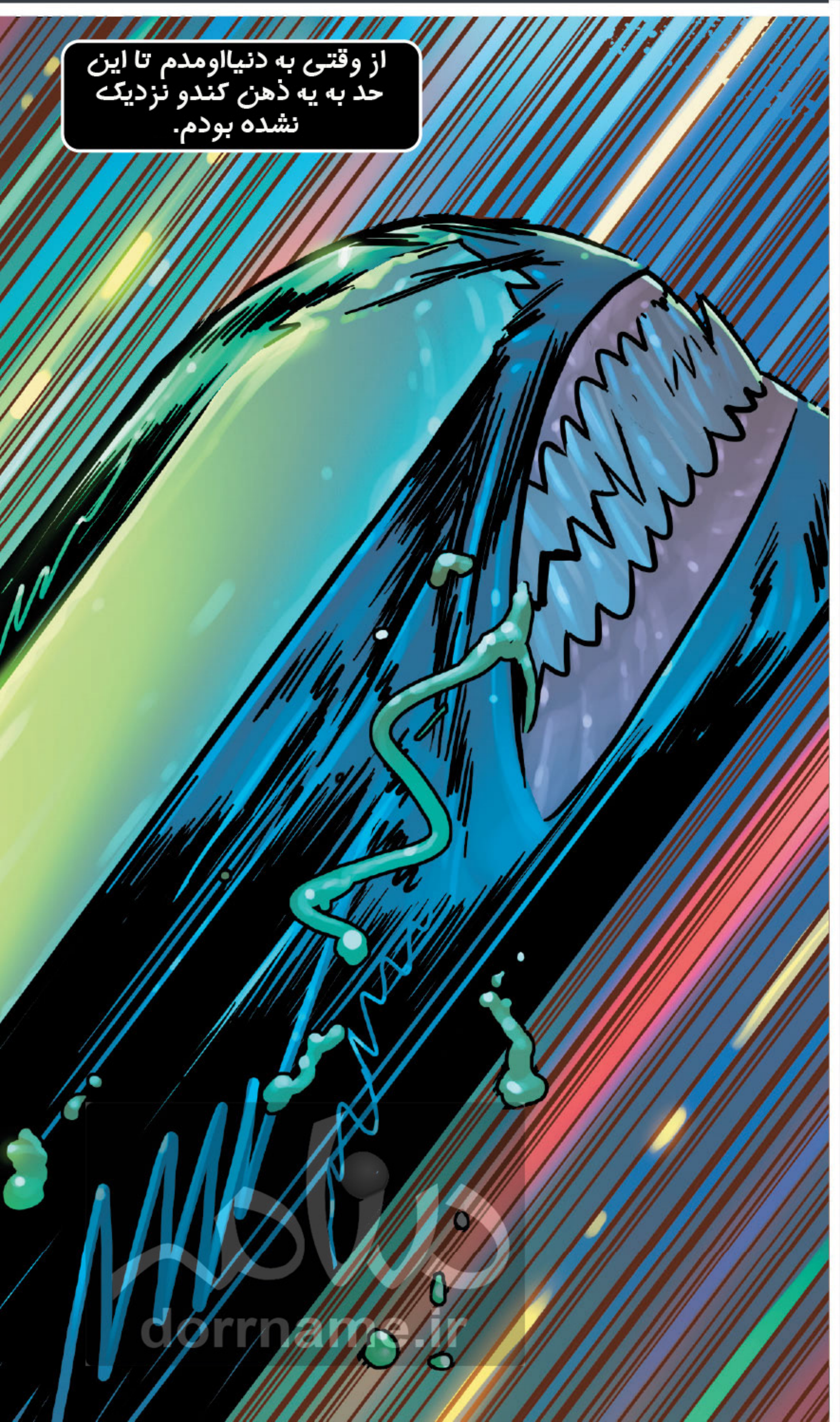
FRSH

FRSH



نفهمیدم. چه اتفاقی داره
می افته. این مکان... این...

منم نمی فهمم، ادی. هنوز ذهنم به هم
ریخته است... اطلاعات خیلی زیادند...



از وقتی به دنیا اومدم تا این
حد به یه ذهن کندو نزدیک
نشده بودم.



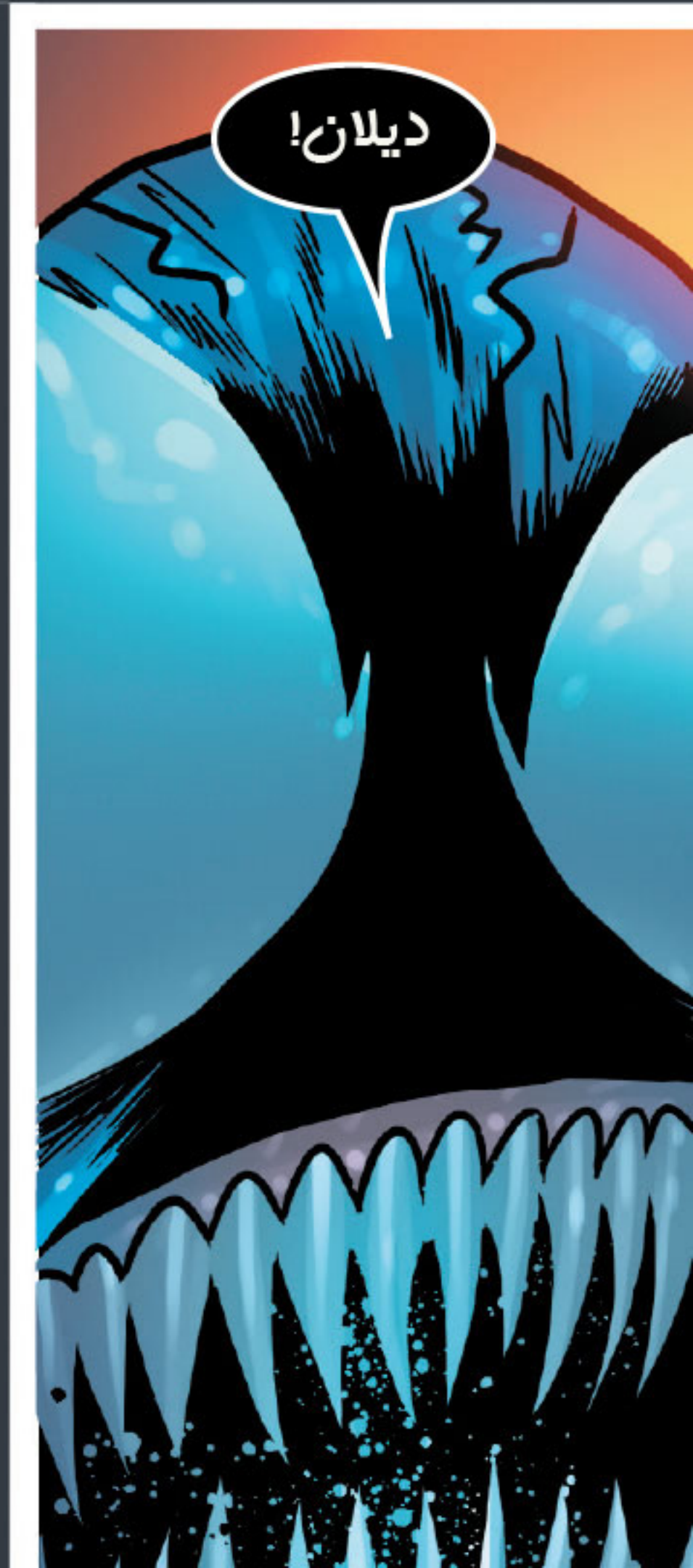
یه ذهن کندو اینجا؟
چه اتفاقی داره
می افته؟!

الان وقتش
نیست.



درسته.
وقت
بازیه.

RMMMBL



دیلان!

آقا.
ازت می خواهیم تا
از سیمپیوت خودت جدا
بشی و دست هاتو بذاری
پشت سرت.

په-پدر؟



باشه، فقط... کمی صبر کنید.
نمی دونم این چیه...

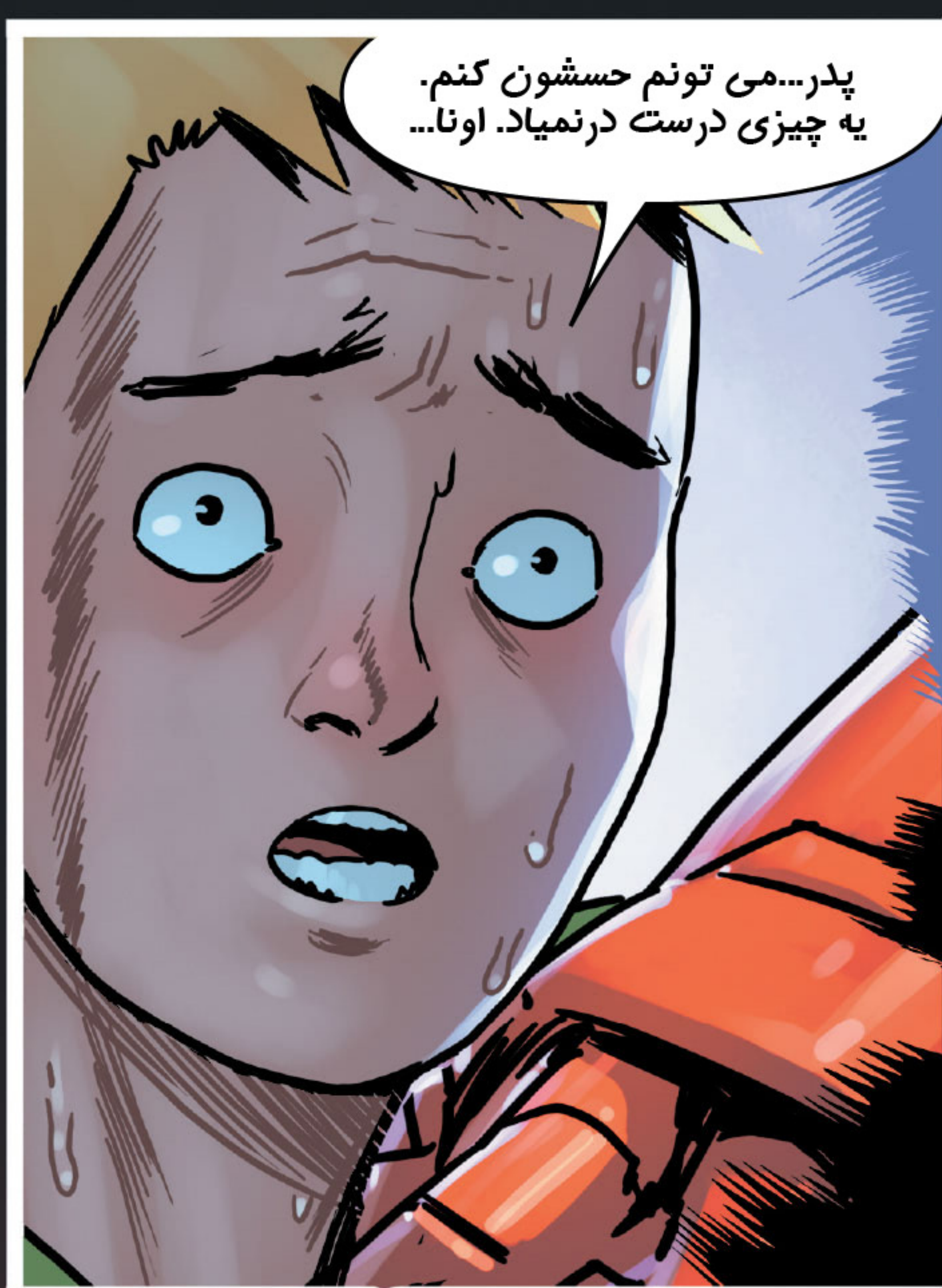


ولی... این منم بچه ها. منو می شناسید.



الان، یه بار دیگه می خوام عین آدم ازت بپرسم.
ازت می خوام سیمپیوت رو از خودت جدا کنی و دست هاتو بذاری روی سرت.
من نمی دونم تو کی هستی.

کاپیتان... استیو، چیکار داری می کنی...



پدر... می توئم حسشون کنم. یه چیزی درست درمیا. اونا...



آقا! این آخرین اخطاره!
اول باید پسر منو آزاد کنید، قبل از اینکه...



بسه دیگه! انتقام جویان آماده باشید...
بسه دیگه تمومش کن...





این احمق
دوباره...



بهت گفتم! نمی تونی
از دست من فرار کنی،
نمی تونی منو شکست بدی!
با تکنولوژی ای که من دارم
...



متوقفم...
...یه لشکر
لازمه...

باشه،
رفیق، اینم سرنخ
ما!



THWUP



جنگ من با شما
نیست. من حتی از
این بعد از زمان نیستم.



خوب،
امیدوارم دنیای
تو یکی مثل من
داشته باشه.
اگه داشت
متوجه می شدی
که تو انتخاب
نمی کنی جنگ
کی باشه پسر.

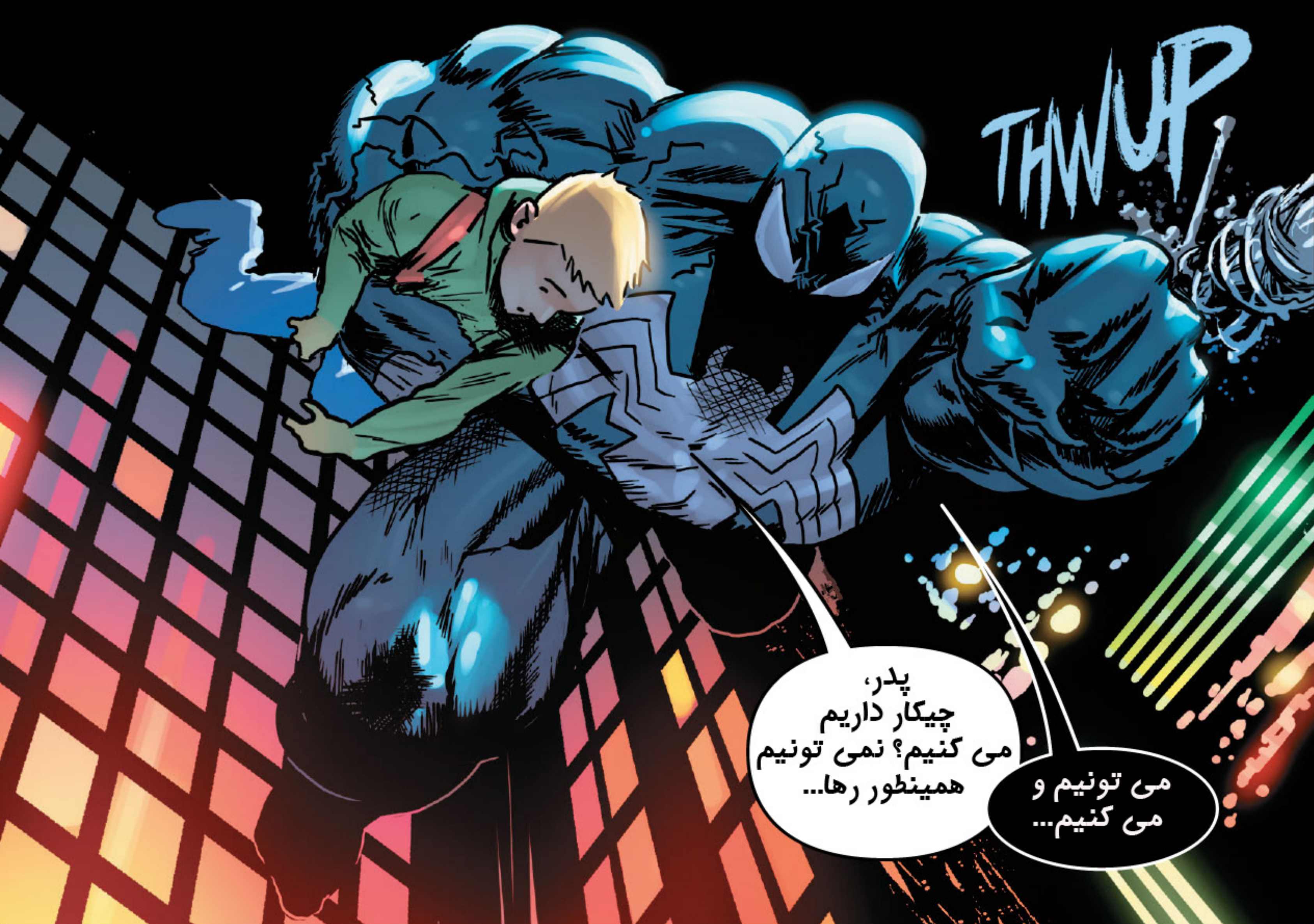


لعنتی!
آآخ!

PANG
PANG
PANG

انتقام جویان
جمع شید!!!

CHOOM
CHOOM
CHOOM



پدر،
چیکار داریم
می کنیم؟ نمی توانیم
همینطور رها...

می توانیم و
می کنیم...



تو رو به یه
جای امن می بریم.
و اون انتقام جویان ونومی
هر کی هستند...



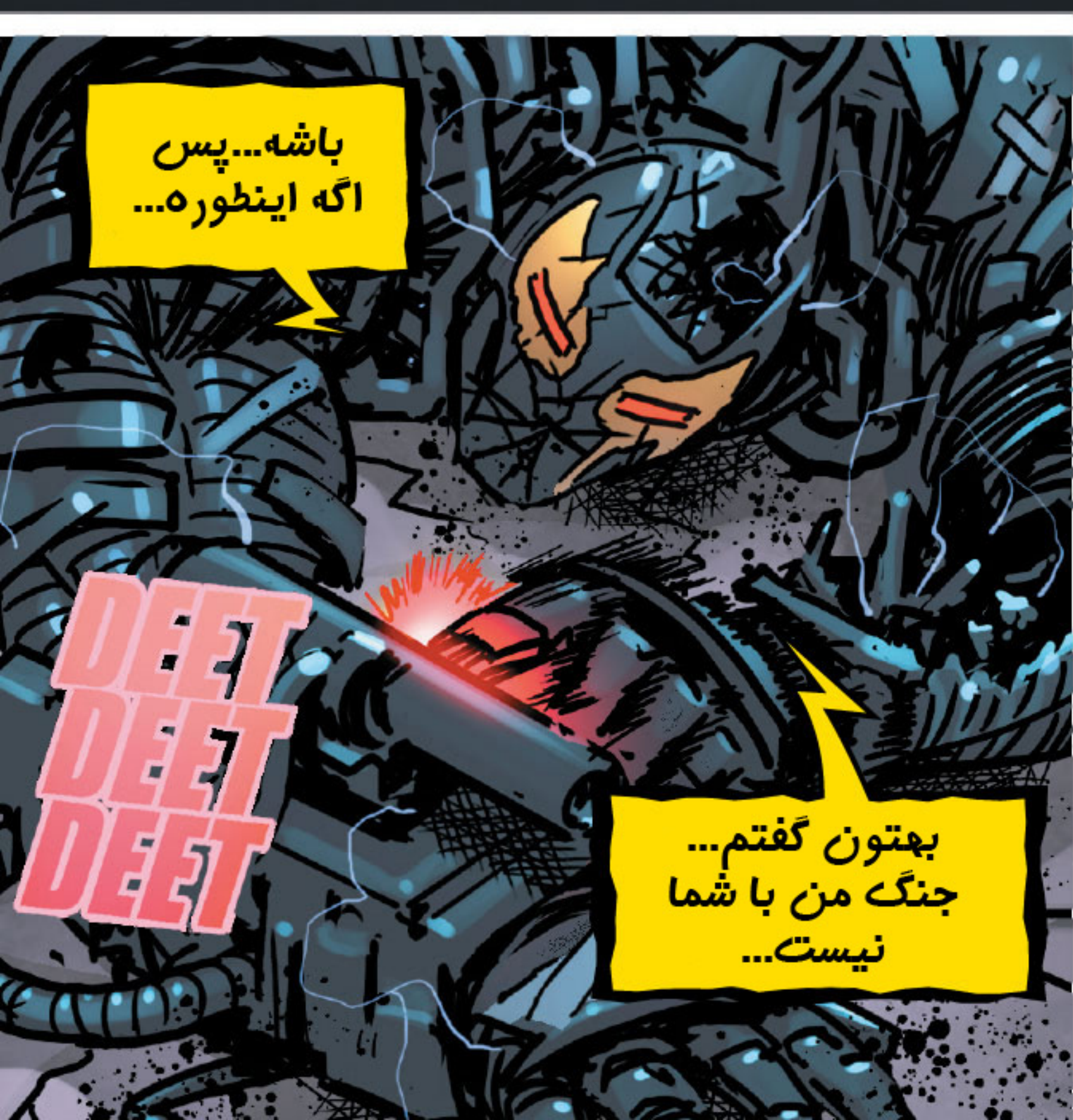
"...به نظر می رسه
از عهده خودشون
بر میان."



باشه!!! باشه...من تسلیم می شم.
فقط...منو تسلیم پلیس کنید
یا هر چیز دیگه...



ما اینجا پلیس بازی نداریم پسر.
اگه قانون شکنی کنی، در برابر
رهبر مون کدکس مجازات
می شی.



باشه...پس
اگه اینطور ه...

بهتون گفتم...
جنگ من با شما
نیست...

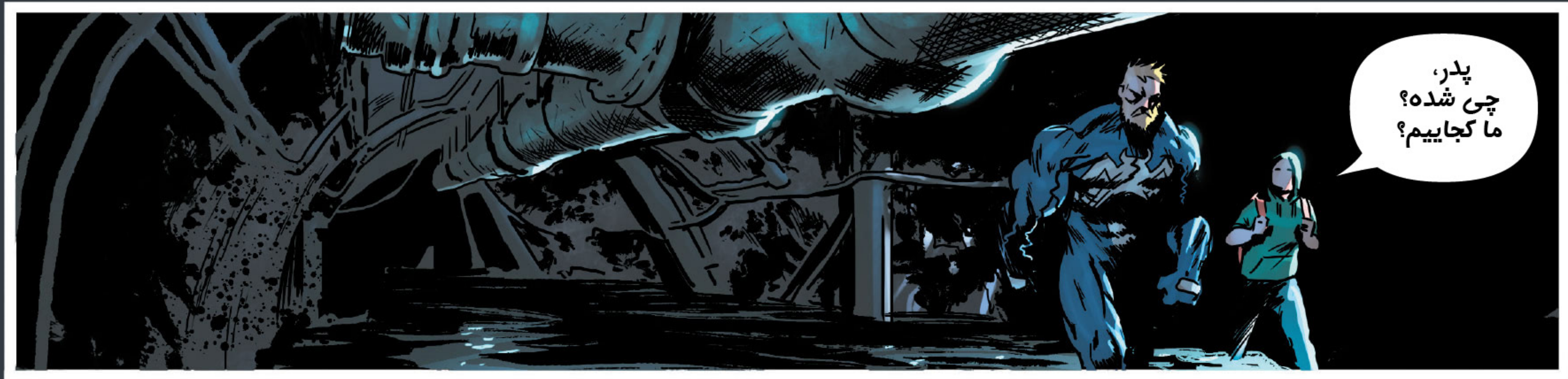


آآخ!!!



ولی
می دونی...
همیشه
می خواستم یه
انتقامجو رو
بکشم...





پدر،
چی شده؟
ما کجاییم؟



به حرکت
ادامه بده، باشه؟

حق با این بچه است. چه اتفاقی داره می افته؟
هر کی هست، وپروس گفت ما به این بعد
تعلق نداریم. ما کجاییم؟

نمی دونم ادی. هیچی به نظرم
آشنا نیست. سخته فکر کرد.
صداهای زیادی می شنوم.

خوب،
عالی شد.
ممنون از کمکت.

سعی می کنم
خودمونو ازشون
پنهان کنم.



داری با
سیمپیوت صحبت
می کنی؟ چی داره
می گه؟ شاید
بتونیم...

نه.



فقط باید یه
جایی پیدا کنیم
و پنهان بشیم.

باید توضیحی
برای این وجود
داشته باشه. یه نفر که
بشه ازش کمک
بخواهیم.

کسی که نخواد
بگشتمون!



ادی! یه کسی هست...

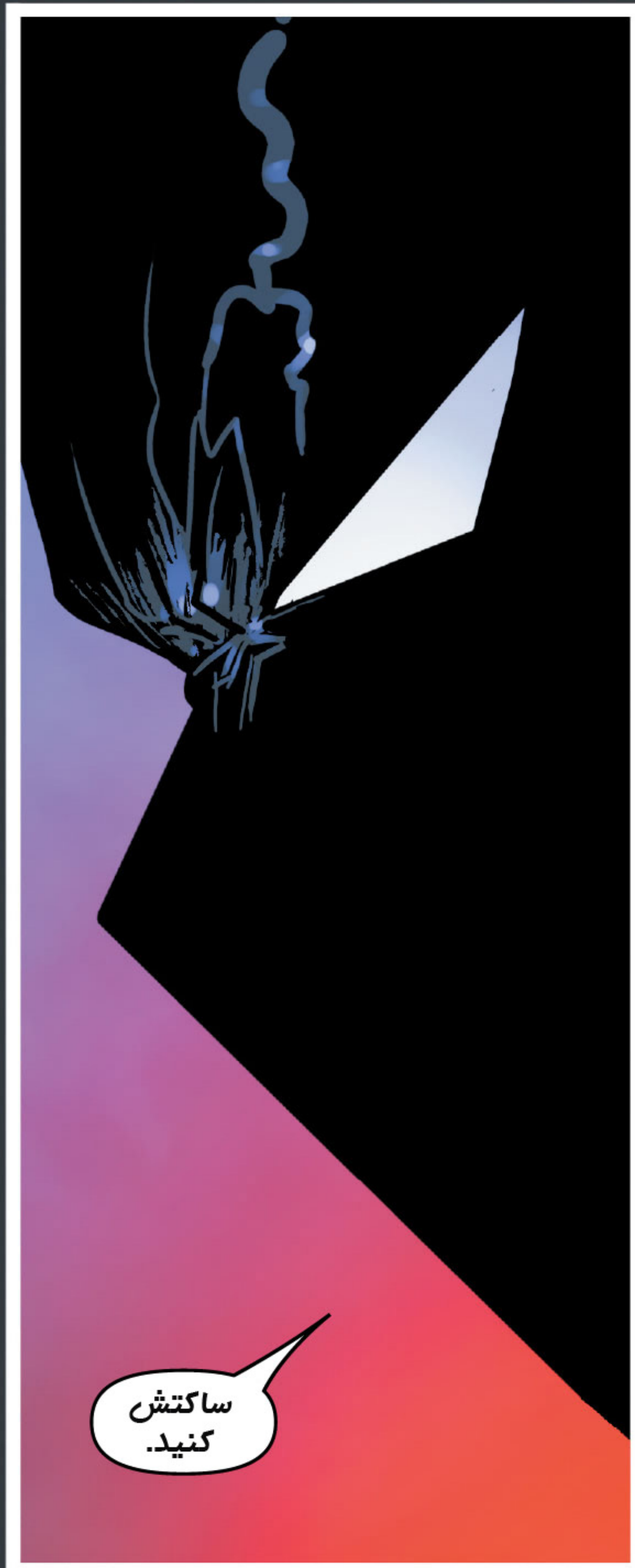
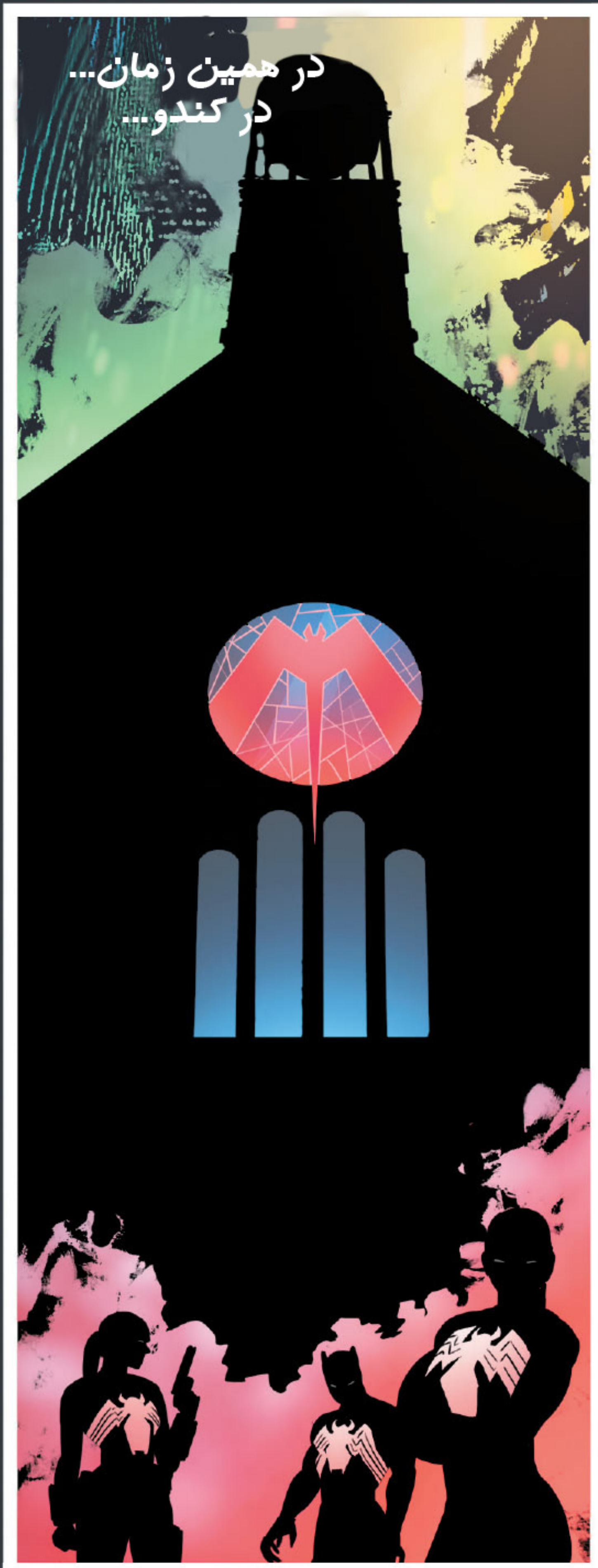
آره،
می تونم
ببینمش!

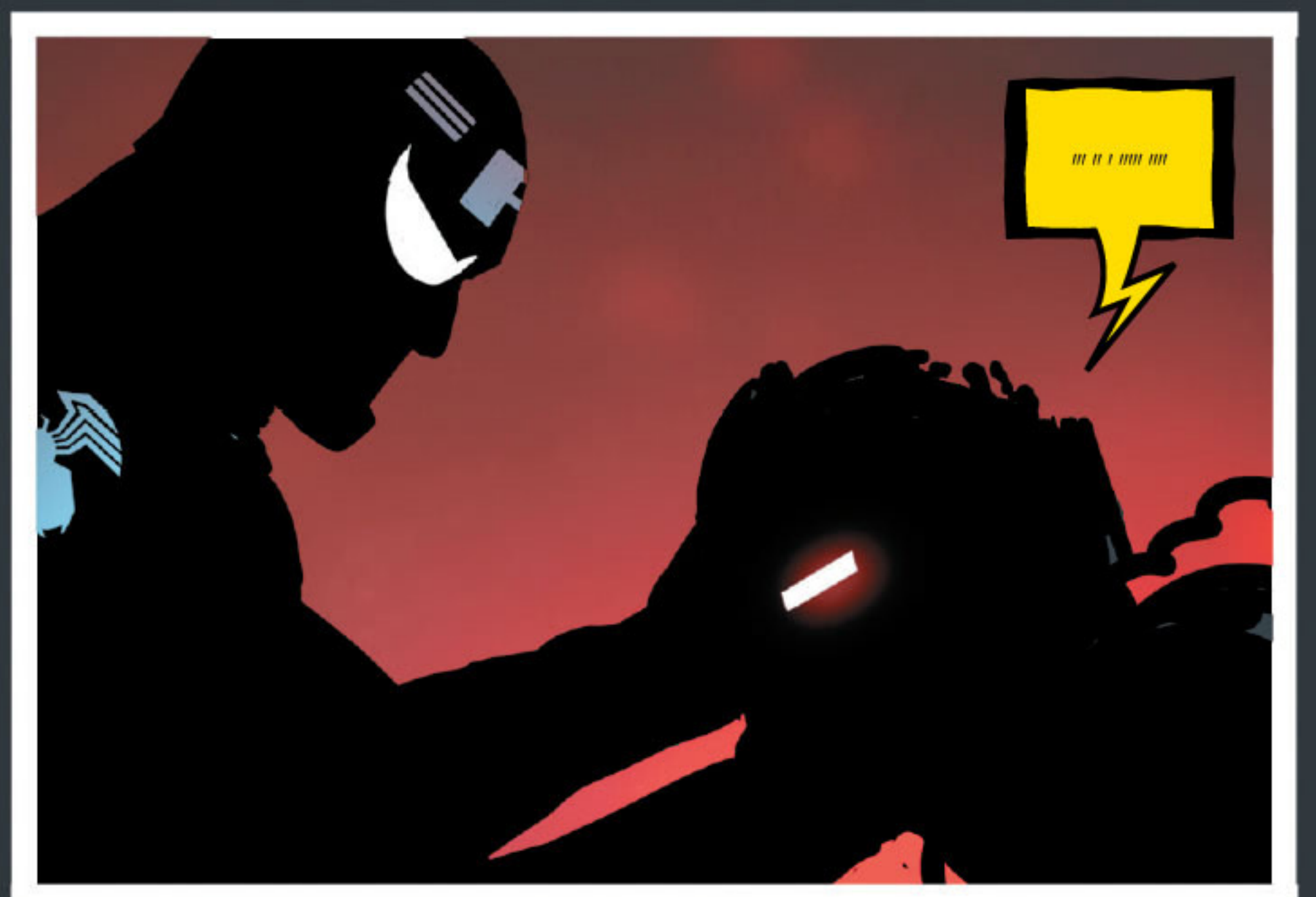


نمی دونم
کی هستید. ولی
اگه از دست اونا
دارید فرار
می کنید...



...یا ما
بیایید.







انگار تازه واردی.
اهل کجایی؟

نمی فهمم.
تو کی هستی؟
چه اتفاقی داره
می افته؟



جواب دادن... به این سؤال
کمی سخته.

از کجا بدونم
که می تونم بهتون
اعتماد کنم؟

چطور ما رو
پیدا کردید؟



تو یه انسانی. خوب. اکثر مواقع ما
می تونیم شماها رو حس کنیم.
این کار ماست.

تنها ما چند
نفریم که کودکس
و کندو نتونسته تحت
کنترل بگیره.



کودکس؟
اون کیه دیگه؟ و
چه معنی داره؟ تنها
افراد به جا مونده
از چی؟



بشریت.



چ-چی؟ پس شما چی هستید
...رهبر مبارزات زیرزمینی؟

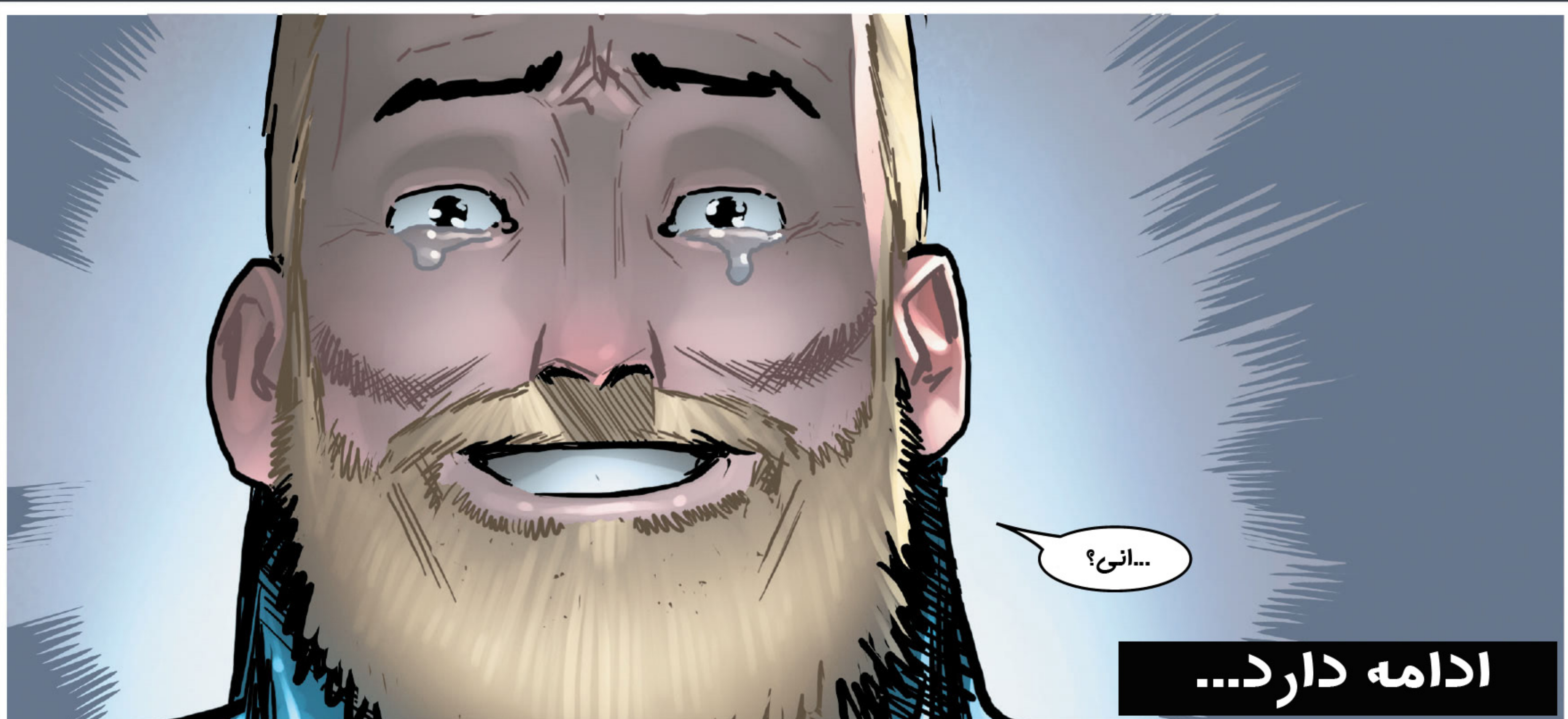
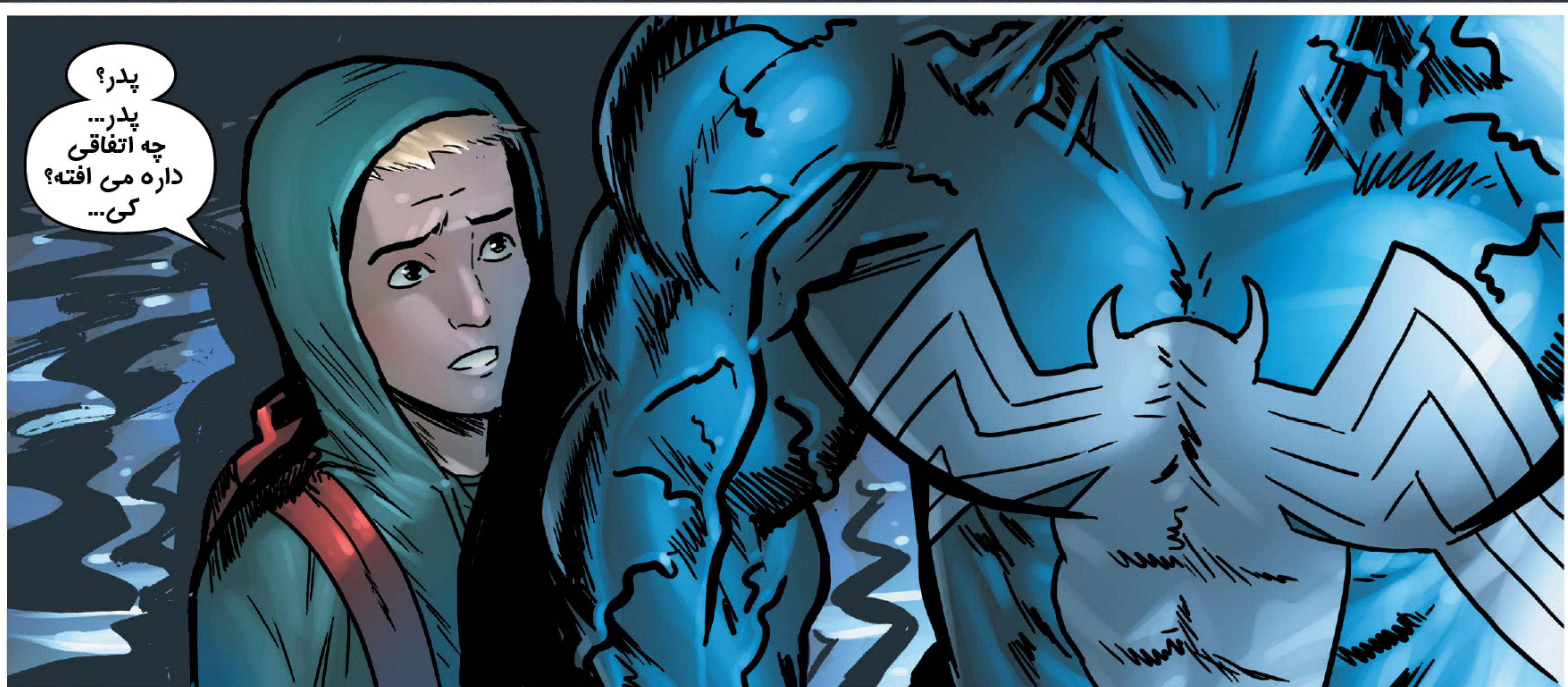
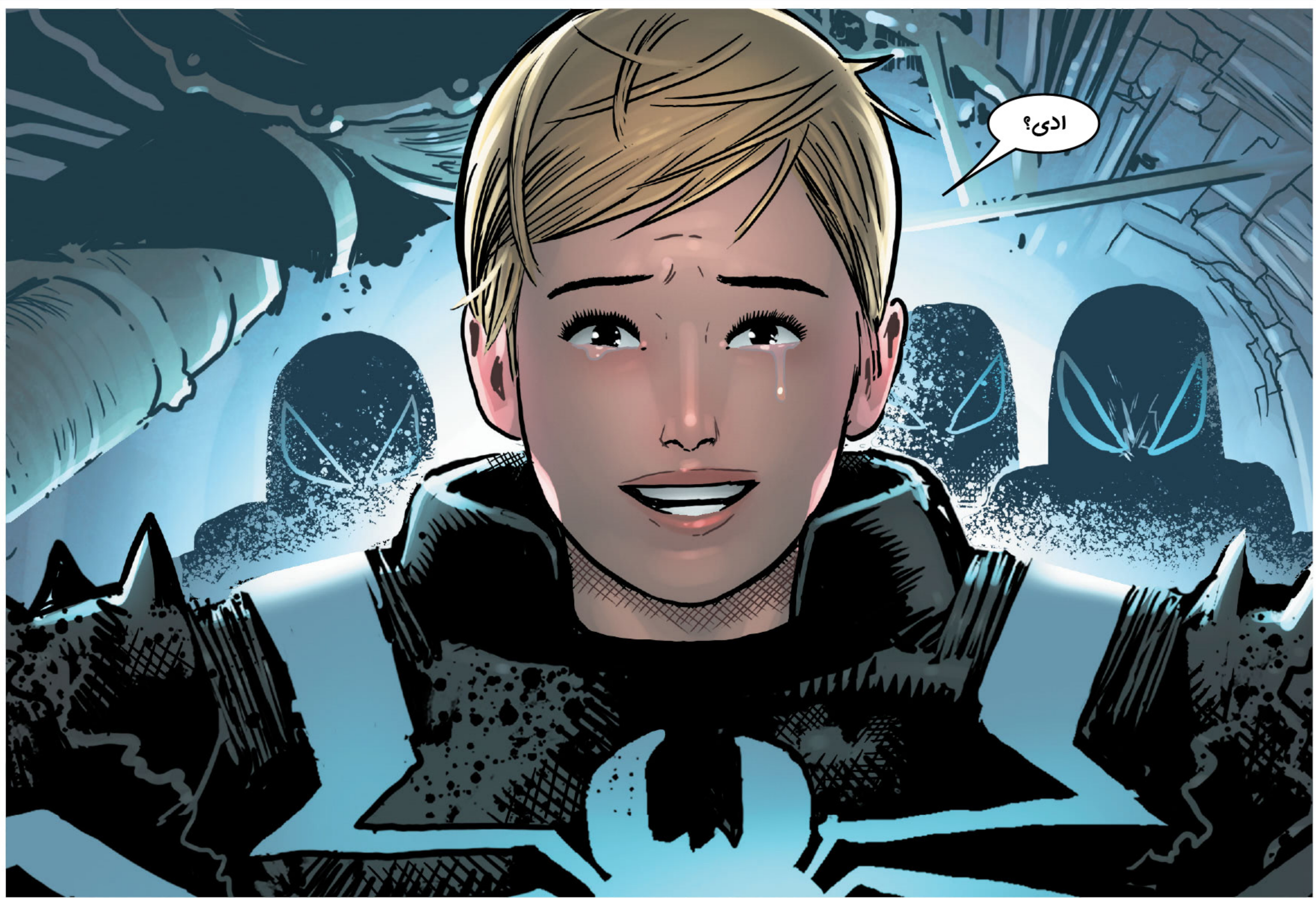


یه چیزی تو
همین مایه ها.

ولی ما
رهبر نداریم...

من؟





MARVEL

27

LGY#192

CATES

GEDEON

ABURTOV

VENOM



VENOM

B E Y O N D

PART

2

دورنامه

dorname.ir

مربع کمیک های فارسی